خبرسازان

شکایت موسسه «سینمای مقاومت» از جنتی و ایوبی

● **شرق:** موسسه سینمای مقاومت و انقلاب اسلامی که در دوره جواد شمقدری راه‌اندازی شده و فعالیتش توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت فعلی متوقف شده، در نامه‌ای سرگشاده ضمن اعلام شکایت مجدد از علی جنتی و حجت‌الله ایوبی، معاون سینمایی‌اش آنها را به انجام‌ندادن مسوولیت‌ها متهم کرده است. در متن این نامه که از سوی روابط عمومی این موسسه منتشر شده آمده: «نظر به اصرار مسوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان سینمایی کشور به جلوگیری از فعالیت‌های قانونی موسسه سینمای مقاومت و انقلاب اسلامی، پیرو اعلام شکایت به دیوان عدالت اداری و کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و ضمن پیگیری آنها تا حصول نتیجه، این‌بار موسسه مذکور درخصوص اقدامات ایشان به سازمان بازرسی کل کشور شکایت نمود.» در بخشی از این شکایت با اشاره به سابقه این موسسه و راه‌اندازی آن آمده است: «پس از استقرار جناب آقای علی جنتی بر صندلی گرانقدر وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت تدبیر و امید - اما - به جای تسهیل در امور این موسسه و پشتیبانی از اقدامات قانونی آن و راهگشایی برای رسیدن موسسه به اهداف متعالی از پیش تعیین‌شده، ایشان با کمال تاسف، دستور لغو مجوز و توقف فعالیت‌ها و جلوگیری از تامین و پشتیبانی مالی و حتی جلوگیری از تحویل محل تعیین‌شده توسط وزیر محترم پیشین را صادر کرده‌اند.»

ادامه از صفحه ۷

سیاست نام‌ها یا نام‌های سیاست

● آغاز سیاست به بنیان‌های سیاست بازمی‌گردد و رانسیر می‌کوشد نشان دهد چگونه زمانی که یک کل از طریق نظم هندسی ساخته می‌شود، سیاست راه سومی برای خود باز می‌کند. او در این مقاله هر نوع نظم اجتماعی را حادث می‌داند و هیچ آرخه‌ای برای آن قایل نیست. رانسیر به خوبی نشان می‌دهد دموس یا مردم همان حذف‌شدگانی‌اند که چون تعلق به طبقه خاصی ندارند منشا ظهور سیاست و دموکراسی به شمار می‌روند. آنها از دل کج‌شماری، از دل خطایی بیرون می‌آیند که در هر طبقه‌ای رخ می‌دهد و در آن شکاف می‌اندازد. بدین‌اعتبار، دموس/ مردم، حذف‌شدگانی هستند که فضیلت‌شان تنها آزادی است؛ هیچ‌بودگی مردم پیچ می‌خورد و به همه‌بودگی تبدیل می‌شود.

از جمله مقالات مهم دیگر این مجموعه می‌توان به «میان فروید و فوکو» نوشته جودیت باتلر در فصل «مواجهات» اشاره کرد. باتلر در این مقاله به میانجی فروید دوباره پای این متفکر فرانسوی را با مبنای سیاست فوکویی به میان می‌کشد. میشل فوکو در ایران فیلسوف شناخته‌شده‌ای است و اغلب آثارش به فارسی ترجمه شده. با این‌حال سیاست فوکویی حلقه گمشده آثار او است؛ سیاستی که باید از طریق درسگفتارهای فوکو به آن رسید. از این منظر، ترجمه مقاله «چندین سیاست» ژیل دلوز (در فصل «میان‌برها») نیز تلاشی است برای بازنمایی سنت سیاست دلوزی یا سیاست رادیکال مبتنی بر اسپینوزا. همچنین مقاله «عقل پوپولیستی: ملاحظات پایانی» از لاکلائو می‌کوشد تا نقطه شروع مردم را بیابد. او شرایط عمده این ظهور را نخست در مجموعه تصمیم‌های نظری لازم برای قابل فهم شدن چیزی چون مردم برمی‌شمارد و سپس شرایط تاریخی‌ای را مطرح می‌کند که ظهور مردم را ممکن می‌سازد.

با این‌همه همچنان جای خالی برخی دیگر از متفکران رادیکال در این مجموعه به‌چشم می‌خورد. به همین سیاق، وجود یک مقدمه که علت حضور این نام‌ها و ساختار کتاب را توضیح دهد نیز ضروری به‌نظر می‌رسد. در سه‌گانه پیشین به‌رغم آنکه هر مجلد در مورد یک متفکر غربی مشخص جمع‌آوری شده، دسته‌بندی‌ها مشخص‌تر و فصل‌بندی‌ها غیراستعاری‌تر بود، اما پیشگفتار کتاب یک معرفی کلی و موجز و مکفی از ساختار کتاب ارایه می‌داد. درحالی که در این مجموعه، فصل‌بندی‌ها استعاری است و مشخص نیست بر چه اساسی این نام‌ها در این فصول جای گرفته است. مقصود ویراستاران مجموعه از عناوین فصول چیست؟ شاید مقدمه یا پیشگفتاری همچون سه‌گانه قبلی می‌توانست به این پرسش‌ها پاسخ دهد و مخاطب را دچار تفسیرها و توهمات و گاه پیشداوری‌های مغرضانه نکند. نکته دیگری که باید درباره این کتاب بر آن تاکید داشت، وجود غلط‌های املایی و نگارشی‌ای است که متاسفانه گریبانگیر اغلب کتاب‌های فلسفی در ایران است؛ غلط‌هایی که گاه خواندن یک کتاب را با دشواری مواجه می‌کند و زحمات مترجمان و مولفان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.

برخاستن تئوری و فلسفه و پیوند آن با سیاست در تقابل با ایدئولوژی «پایان» ایده اصلی «نام‌های سیاست» به‌نظر می‌رسد. هرچند معنای امروزی واژه سیاست برای فهم عرفی همزمان واضح و غامض است و البته ماهیت آن نیز بسیار مشکوک. اما امروز پاسخ به معنای سیاست هم در ساحت‌های فردی و هم در عرصه فلسفه و علوم انسانی از اساسی‌ترین پرسش‌هاست. باید تاکید داشت که «آن سیاستی که با رخداد تغییر رادیکال عجین است، بیشتر به واسطه نام‌ها شناخته می‌شود تا تعاریف و مقولات آکادمیک: نام‌هایی چون مارکس، باکونین، لنین، لوکزامبورگ، کمون پاریس، اکتبر، ۲۲ بهمن. در زمانه ما احیای کنش - تفکر رهایی‌بخش، بعضا وامدار نویسندگان این مجلد است. از این‌رو بعید نیست در آینده اسامی برخی از ایشان نیز به یکی از نام‌های سیاست بدل شود.»

هفت جهان

جایزه افتخاری «اسکار» به جولی و مارتین رسید

شرق: جوایز افتخاری آکادمی اسکار از آن دست جوایزی است که در فرصتی جدا از مراسم رسمی اعطا می‌شود. این جوایز که از سوی نهادهای مختلف به برخی چهره‌های مشهور سینمایی اهدا می‌شود، امسال به دو چهره شاخص هالیوود آنجلینا جولی و استیو مارتین اهدا شد. در این مراسم که شنبه ۱۶ نوامبر در لس‌آنجلس مقر هالیوود برگزار شد، به‌جز جولی و مارتین، «پیرو توسی» طراح ایتالیایی و «آنجلا لنزبری» بازیگر سرشناس تئاتر هم جوایزی دریافت کردند.

آنجلینا جولی که در سال ۱۹۹۹ برای دختر گسیخته جایزه اسکار بازیگر زن مکمل را دریافت کرد، به دلیل بازی در ۳۰ فیلم سینمایی، حضور در بیش از ۴۰ ماموریت از سوی اتحادیه پناهندگان سازمان ملل و بنیانگذاری تعداد زیادی موسسه خیریه شایسته دریافت جایزه انساندوستی «ژان هرشولت» شناخته شد. اهداکنندگان دلیل دریافت این جایزه را به جولی انرژی و ازخودگذشتگی او دانسته که به بسیاری یاری رسانده و الهام‌بخش آنها شده است. او به‌جز اقدام‌های انساندوستانه و کمک به سازمان‌های جهانی در فیلم‌هایی چون «یک قلب توانا» و اولین تجربه کارگردانی‌اش «در سرزمین خون و عسل» هم به مسایل انسانی پرداخته است. «پیرو توسی»، طراح لباس و صحنه سینمای ایتالیا هم با آثار ماندگار سینمایی‌اش موفق شد جایزه افتخاری اسکار را دریافت کند. در کارنامه افتخارات این سینماگر معروف پنج نامزدی جایزه اسکار، کسب دو جایزه بافتا و جایزه اسکار به چشم می‌خورد. «استیو مارتین»، کمدین سرشناس هالیوودی چهره دیگری بود که به دلیل نبوغ کمدی‌اش طی سال‌های طولانی عمر حرفه‌ای و خلاقیتش در نقش‌های متفاوت مورد تقدیر آکادمی اسکار قرار گرفت.

«آنجلا لنزبری» دیگر برنده جایزه افتخاری اسکار از مارس ۱۹۴۵ کار خود را در عرصه سینما و تئاتر آغاز کرد. این اسطوره ۸۸ساله طی هفت دهه فعالیت هنری‌اش سه‌بار نامزد دریافت اسکار شد، اما اکنون به دلیل نمایش توانمندی‌هایش روی صحنه تئاتر «برادوی» تلویزیون و سینما هالیوود، جایزه افتخاری اسکار را به دست گرفت.

عکس: پیمان یزدانی

بازیگران فیلم «گس»، برترین‌های جشنواره ایتالیایی

لبخند «رُم» به بازیگران ایرانی

فرانک آرتا

برنده‌شدن گروه بازیگران فیلم ایرانی «گس» در هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «رم» موفقیت دیگری را برای سینمای ایران رقم زد. طی سال‌ها سینمای ایران توانسته بود در جشنواره‌های جهانی موفقیت‌هایی در عرصه فیلم و کارگردانی به دست بیاورد و در این چند سال اخیر در بخش‌های فنی و هنری مثل فیلمبرداری و بازیگری دور موفقیت‌ها را نیز در دست گرفته است. برندگان دوره هشتم جشنواره بین‌المللی فیلم «رم» شب ۲۵آبان در رم معرفی شدند و گروه بازیگران فیلم «گس» به‌کارگردانی کیارش اسدی‌زاده؛ احسان امانی، رویا جاویدنیا، صابر ابر، شبنم مقدمی، پانته‌آ پناهی‌ها، محمدرضا غفاری و بهاران بنی‌احمدی جایزه بهترین بازیگر جشنواره بین‌المللی فیلم «رم» را دریافت کردند.

شبنم مقدمی از برندگان این جایزه در گفت‌وگو با «شرق» درباره چگونگی استقبال تماشاگران فیلم در جشنواره «رم» گفت: «استقبال تماشاگران از فیلم «گس» بسیار خوب بود، البته من فقط در مراسم افتتاحیه حضور داشتم و به دلیل اینکه در تهران باید سر صحنه فیلم حضور می‌یافتم، نتوانستم در مراسم اختتامیه جشنواره شرکت کنم.» وی در پاسخ به این سوال که دلیل اصلی اینکه تمامی بازیگران فیلم، شایسته دریافت جایزه بهترین بازیگر شدند، چه بود گفت: «در این مورد باید داوران نظرشان را اعلام کنند. ولی آنطور که گفته شده جایزه را به واسطه ظهور نسل نو در بازیگری اهدا کردند.» همچنین این بازیگر در این خصوص که آیا حضور امیر نادری به‌عنوان یک ایرانی در اهدا کردن جایزه موثر بوده یا نه، توضیح داد: «واقعیت این است در تمام مدتی که در جشنواره حضور داشتیم سعی می‌کردیم حتی با هم صحبت نکنیم تا شایبه تاثیر روی داوری‌ها را ایجاد نکند.» امیر نادری، کارگردان ایرانی، یکی از داوران بخش مسابقه اصلی هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم رم بود که ۸ تا ۱۷ نوامبر (۱۷ تا ۲۶ آبان) در پایتخت ایتالیا برگزار شد. «گس» اولین ساخته بلند سینمایی کیارش اسدی‌زاده است که در آن احسان امانی، رویا جاویدنیا، صابر ابر، شبنم مقدمی، پانته‌آ پناهی‌ها، محمدرضا غفاری و بهاران بنی‌احمدی بازی کردند. این فیلم سال گذشته در جشنواره بین‌المللی فجر به دلیل مشکلات ممیزی نتوانست وارد بخش مسابقه شود ولی بنا به گفته «مقدمی» در دولت جدید مشکلات فیلم برطرف شده و قطعا در جشنواره فیلم فجر آینده شرکت خواهد کرد. اما فقط بازیگران ایرانی فیلم «گس» نبودند که از این جشنواره با دست پر بازگشتند. به گزارش «هالیوودریپورتر»، در بخش مسابقه اصلی درام مستندگونه «تی‌آی‌آر» (TIR یا حمل‌ونقل بین‌المللی جاده‌ای) به کارگردانی آلبرتو فاسولو جایزه مارکوس اورلیوس بهترین فیلم را به خود اختصاص داد. «تی‌آی‌آر» اولین فیلم بلند داستانی فاسولو است و برانکو زاورسان، بازیگر اسلوونیایی در آن بازی می‌کند. داستان درباره مردی بوسنیایی است که وقتی در مقام معلم کار پیدا نمی‌کند راننده کامیون یک شرکت ایتالیایی می‌شود. پیروزی «تی‌آی‌آر» به‌نوعی غافلگیرکننده بود. این فیلم که تولید مشترک ایتالیا و کرواسی است توانست فیلم‌های مطرحی چون «او» تازه‌ترین ساخته اسپایک جونز با بازی واکین فینیکس و «بیرون کوره» به کارگردانی اسکات کوپر با بازی کریستین بیل را شکست بدهد و جایزه اصلی جشنواره رم را از آن خود کند. موفقیت «تی‌آی‌آر» که به‌سبکی ناتورالیستی فیلمبرداری شده، تاییدی بر گرایش این‌روزهای ایتالیا به آثار مستند یا مستندوار است. حدود ۱۰هفته پیش نیز مستند «Sacro Gra» به کارگردانی جان‌فرانکو رزی با دریافت جایزه شیر طلای جشنواره ونیز خیلی‌ها را شگفت‌زده کرد. این فیلم در گیشه‌های فروش هم موفق بود. داوران بخش مسابقه اصلی این دوره جشنواره رم به ریاست جیمز گری، سینماگر آمریکایی و امیر نادری، کارگردان شناخته‌شده ایرانی جایزه بهترین کارگردان را به «رمز هفتم» ساخته کیوشی کوروساوا، کارگردان ژاپنی اعطا کردند. این اولین فیلم کوروساواست که خارج از ژاپن فیلمبرداری شده است. «رمز هفتم» جایزه بهترین دستاورد فنی جشنواره را هم برد. جایزه ویژه داوران به آندری گروژنیچ، کارگردان رومانیایی برای دومین فیلمش «Quod Erat Demonstrandum» رسید. این فیلم به‌صورت سیاه‌وسفید کارگردانی شده و داستان آن در دوران حکومت کمونیستی در رومانی روی می‌دهد. متیو مکانهاهی برای فیلم «Dallas Buyers Club» ساخته ژان-مارک والی جایزه بهترین بازیگر مرد را برد و اسکارلت جوهانسن برای بازی در «او» برنده جایزه بهترین بازیگر زن شد. موفقیت مکانهاهی غیرمنتظره نبود. بازی او در نقش یک بیمار مبتلا به ایدز سینماروها در جشنواره را به تحسین واداشت، اما پیروزی جوهانسن نامعمول بود؛ چرا که تنها صدای او در فیلم «او» شنیده می‌شود. فینیکس در این فیلم نقش مردی را بازی می‌کند که عاشق سیستم عامل کامپیوتر خود (با صدای جوهانسن) می‌شود. همچنین تایفون پیرسلیم‌اوغلو برای فیلم «من او نیستم» از ترکیه جایزه بهترین فیلمنامه را برد و کوپر برای «بیرون کوره» جایزه بهترین فیلم اول یا دوم را گرفت. در هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم رم که هشتم تا ۱۷ نوامبر (۱۷ تا ۲۶ آبان) در پایتخت ایتالیا برگزار شد، ۱۸ فیلم در بخش مسابقه جشنواره بخت دریافت جایزه را داشتند. مارکو مولر، مدیر هنری سابق جشنواره ونیز برای دومین سال مدیریت هنری جشنواره رم را برعهده داشت. در جشنواره امسال در مقایسه با پارسال ۲۰درصد بلیت بیشتر فروخته شد و نمایندگانی از ۵۰ کشور در جشنواره حضور داشتند.

چهره روز

قایق‌سواری همزمان با تولد «شاعر تهران»

تجلیل از سپانلو در خانه هنرمندان

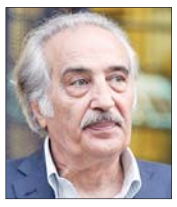

● **شرق:** «شاعر تهران» روز ۲۸آبان، ۷۳ساله می‌شود. محمدعلی سپانلو شاعری است که سال‌ها از شهر زادگاهش می‌گوید. ۷۳سالگی شاعر تهران فرصتی است برای نمایش مستند قایق‌سواری در تهران؛ مستندی درباره زندگی و زمانه سپانلو به کارگردانی «صلاح‌الدین کریم‌زاده»، که قرار است در خانه‌هنرمندان ایران با حضور خود شاعر به نمایش درآید. همزمان با نمایش این مستند چهره‌هایی همچون «ناصر تقوایی»، «احمد مسجدجامعی»، «بهرام شیردل»، «امیر پوریا» و «شهریار وقفی‌پور» درباره این شاعر سخنرانی می‌کنند.

مستند «قایق‌سواری در تهران» حاصل تلاش چندین‌ساله کارگردان برای معرفی وجوه مختلف شخصیت «محمدعلی سپانلو» است. کریم‌زاده درباره انگیزه‌های ساخت این مستند می‌گوید: «سپانلو نه‌تنها شاعر شناخته‌شده‌ای است، بلکه روشنفکری است که در طول نیم‌قرن گذشته حضوری فعال و زنده در متن وقایع فرهنگی و جریان‌های ادبی و اجتماعی ایران داشته و همین نکته‌ای بوده که سبب شده ساخت این مستند تبدیل به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌هایم شود.»

کریم‌زاده ساخت این مستند را از زمستان ۸۸، یعنی درست سالی که مجموعه شعر «قایق‌سواری در تهران» منتشر شد، آغاز کرده است. فیلمبرداری در دوره‌ای که سپانلو بیمار بود، متوقف شد و از بهار ۸۹ دوباره کلید خورد و در زمستان ۹۱ به پایان رسید.

در این مستند گفت‌وگوهایی با دوستان و نزدیکان سپانلو هم انجام شده است؛ گفت‌وگوهایی که در هرکدامشان می‌توان با وجهی از دنیای سروده‌ها و ترجمه‌ها و دیگر آثار سپانلو آشنا شد و حتی به دنیای درونی و زندگی خصوصی شاعر راه یافت. در این مستند «ابراهیم گلستان»، نویسنده و فیلمساز که هم‌نسل سپانلو است، درباره او صحبت می‌کند. همچنین «مسعود بهنود»، «اسدالله امرایی»، «مهدی اخوت»، «عبدالعلی عظیمی»، «حافظ موسوی»، «بهرام دبیری»، «مجید کوچکی»، «حمیدرضا نجفی»، «فرهاد پیربال»، «علی‌رضا نادری» و «امیر احمدی‌آریان» هم درباره شاعر تهران سخن گفته‌اند.

«قایق‌سواری در تهران» روز سه‌شنبه ۲۸آبان‌ماه از ساعت ۱۸ تا ۲۰ با همکاری «نشرچشمه» در سالن «استاد ناصری» خانه‌هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید.

زیر آسمان فیروزه‌ای

«عصرجدید» کاوه

بهزاد خورشیدی
گرافیست و روزنامه‌نگار

هوشنگ کاوه از جنس سینما بود، از نسل سینماگرانی که عاشقانه در جست‌وجوی سینمای ناب بود. وی مالک و مدیرعامل سینما عصرجدید بود که از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ و طی دو دهه این سینما را اداره کرد. مرحوم کاوه با اینکه رشته ریاضی را در مدرسه دارالفنون خوانده بود، ولی علاقه‌اش به سینما او را در ۱۶سالگی به ساخت آپارات سینما و تجهیزات آن سوق داد. تهیه‌کنندگی چند فیلم سینمایی از جمله جهان‌پهلوان، شکوه جوانمردی، مردانه بکش و داش‌آکل در فعالیت سینمایی وی به چشم می‌خورد. کارنامه و فعالیت همه سال‌های زندگی هوشنگ کاوه یک نکته را به ذهن متبادر می‌سازد، که از همان اوان جوانی یعنی درست از آن زمان که در استودیو مولن روژ در فکر سازوکار دوبله ارزان و گردآمدن دوبلورهای کارآمدی چون ایرج دوستدار و حمید قنبری بود، تا هنگامی که مدیریت سینما عصرجدید را به‌عهده داشت اصولا به کار در پشت‌صحنه سینما علاقه بیشتری داشت. به حق از سرآمدان سینماداری بعد از انقلاب و تا به امروز بوده است. وی در سال ۱۳۷۷برای حسن سلیقه و مدیریتش، تقدیرنامه‌ای را از وزارت فرهنگ‌وارشاداسلامی دریافت کرد. سینما عصرجدید با معماری مدرن و داراشدن سه‌سالن سینما در سال‌های آغازین دهه ۶۰، به یکی از باشکوه‌ترین و نوستالژیک‌ترین مکان‌های فرهنگی آن دوران تبدیل شده بود. کاوه در سینماداری به یک پرنسیب و در واقع اصول محکم و غیرقابل انعطافی برای نمایش فیلم در سینمایش قایل بود. سینما عصرجدید را به جزیره‌ای باثبات و خودمختار مبدل ساخته بود هرچند با تقسیم‌بندی وزارت ارشاد و حمایت بنیاد سینمایی فارابی، همراه بود در واقع تنها سینمای اختصاصی نمایش فیلم‌های خارجی بود ولی اصولا به هر خواسته ناروایی تن نمی‌داد و تنها فیلم‌های شناسنامه‌دار و معتبر را اکران می‌کرد. آن هم در سال‌هایی که سینمای ایران درحال پوست‌اندازی و تلاش برای رسیدن به زبان و کلامی متفاوت و هماهنگ با برهه‌های تاریخی این دیار بود. محدودیت در نمایش و اکران فیلم‌های خارجی سبب‌ساز خیر برای سینما عصرجدید بود آن هم در دورانی که نسل جوان درپی خواسته‌های متفاوت خود و با رویکردی تازه جست‌وجوگر آرمان‌های فرهنگی بود که آن را در سال ۵۷فریاد زده بود. نمایش فیلم‌هایی همانند Z و اعتراف گوستا گاوراس، با اینکه اکران دو سینما شهرفرنگ بود را آغاز کرد ولی به آهستگی با نمایش فیلم‌های اختصاصی از اروپای‌شرقی که دارای تم انقلابی و یا مد آن سال‌ها، سینمای فلسفی و حالا معناگرا بود جای خود را در دل سینماروهای جدی جوان باز کرد و از دیگر سو به‌دلیل مجاورت با دانشگاه تهران، دانشجویان نیز دارای پاتوقی برای فیلم‌دیدن و بحث جدی شدند. شانس تاریخی من نیز که به قول قدیمی‌ها خوره فیلم بودم، همسایگی کوتاه‌مدت ما با سینما عصرجدید بود. هم از آن روزی که سینما عصرجدید و در جشنواره فیلم‌فجر با نمایش اختصاصی فیلم‌های تاریخ سینما، برای اولین‌بار چشم‌اندازی شد تا بدانم سینما شکل و رنگ جدی‌تری می‌تواند داشته باشد، دوره نوجوانی بود و «فیلم» تنها مجله جدی سینمایی. به‌خاطر دارم که سه‌نگین مورنائو-فیلمساز بزرگ اکسپرسیونیست سینمای آلمان- را با نوشته تاثیرگذار و خواندنی بابک احمدی در ویژه‌نامه جشنواره فیلم فجر، مجله فیلم کشف کردم و سینما عصرجدید هم در ازدحام غریب جشنواره، هر سه فیلم مورنائو را در سه‌روز نمایش داد. اول‌بار هوشنگ کاوه را با آن هیبت جدی در هنگام نمایش دیکتاتور بزرگ چاپلین دیدم، به قدری ازدحام جمعیت داخل سالن انتظار زیاد بود که جمع کثیری، از جمله بنده امکان رفتن به سالن نمایش را نیافتند. نمایش تمامی فیلم‌های تارکوفسکی در سینما عصرجدید از به‌یادماندنی‌ترین خاطره‌های فیلم‌بازهای آن دوران است. از مرد آهنین تا دانتون - آندره و ایدا و از آرزوهای بزرگ دیوید لین تا یکی از شاهکار زیبای فورد- گروهبان راتلیج. همگی متعلق به دورانی است که فیلم‌دیدن در سالن سینما حکم کیمیا بود نه همانند امروز که در فلش‌مموری هر فردی هم یک فیلم را می‌توان یافت.
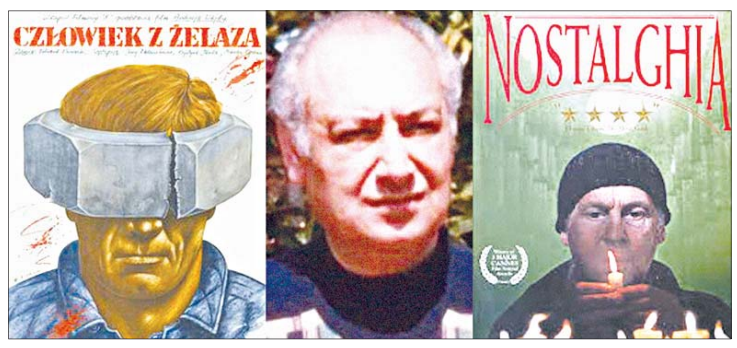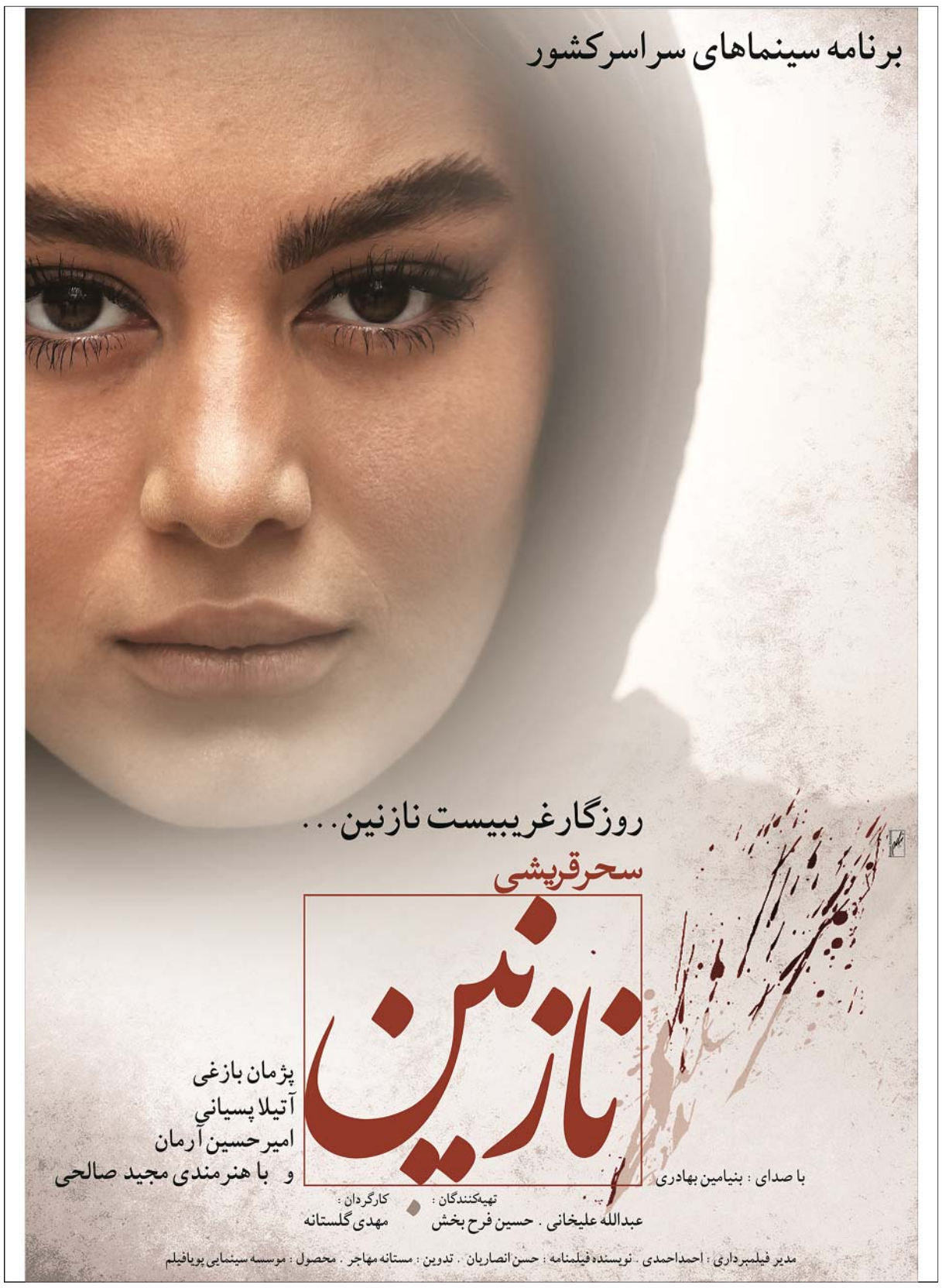
نسل من به‌خاطر همه آن سال‌های سینمارفتن و فیلم‌دیدن قدردان و سپاسگزار هوشنگ کاوه هستیم.